

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی (سعید افغانی)

۰۲ فبروری ۲۰۱۸

شیوه انتخاب والیان توسط حضرت عمر (رض)!

۲



حضرت عمرو بن عاص (رض) برخاست و گفت: یا امیر المؤمنین اگر وضع چنین باشد کسی برای والی که از جانب شما انتصاب شده‌اند ارزشی قایل نخواهد شد.

حضرت عمر در جوابش فرمودند:

منظور شما این است که قصاص گرفته نشود؟! حال آن که من رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیده‌ام که فرمودند: از من قصاص بگیرد.

ای شخص برخیز و قصاص بگیر! عمرو بن عاص (رض) گفت: یا امیر المؤمنین! اجازه بفرمائید تا ما او را راضی گردانیم. چنانکه آن شخص چنین رضایت داد که عوض هر تازیانه به او دو سگه داده شود.

همچنان روزی حضرت ابوموسی (رض) که مسئولیت ولایت بصره را به دوش داشت، به همراه منشی خویش حاضر و گزارش خویش را به حضور حضرت عمر تقدیم داشت.

حضرت عمر (رض) از شیوه گزارش منشی حضرت ابو موسی بی نهایت خوش شد.

روز بعد به حضرت موسی فرمود منشی شما کجاست تا این نامه را در حضور مردم در مسجد تلاوت نماید؟ حضرت ابو موسی در جواب عرض داشت: یا امیر المؤمنین! او نصرانی است و نمی تواند به مسجد بیاید. به محض شنیدن این موضوع شدیداً به حضرت ابوموسی اعتراض کرد و فرمود: این‌ها رشوت را حلال قرار داده‌اند و خداوند ایشان را خائن معرفی کرده و شما آن‌ها را امین خود قرار داده‌اید؟! لذا اگر دوباره چنین چیزی شنیدم تو را مجازات خواهم کرد.

سیرت نویسان می نویسند:

حضرت ابراهیم نخعی می فرماید : زمانی که امیرالمؤمنین حضرت عمر (رض) می شنید والی اش در عیادت مریض غفلت نموده و یا هم از احوال مردم فقیر و مسکین بی خبر است ، به صورت فوری آن والی را از وظیفه اش سبگدوش و عزل می نمود .

می گویند در سفری که به دیار شام داشت ، حضرت معاویه را دید که لباس زیبا و نسبتاً خوبی و شیک پوشیده و با لباس مجلل به استقبال حضرت عمر ایستاده بود فرمود : این کسرای عرب است و خطاب به او فرمود: ای معاویه! این چیست؟ شنیده‌ام که مردم نیازمند نمی‌توانند خود را به دربار تو برسانند.

حضرت معاویه(رض) به لرزه افتاد و گفت: یا امیرالمؤمنین! چون جاسوسان دشمن اینجا سکونت دارند، برای اظهار هیبت و مرعوب‌گرداندن آن‌ها چنین شده است. اما اگر شما منع فرمائید در آینده چنین نخواهم کرد.

نسبت به عمرو بن عاص(رض) که از جمله فاتح مصر است (و در اواخر عمر به حکومت مصر رسید) این سخن به او رسیده بود که در نزد او مال و ثروت فراوانی از جمله شتر، گوسفند، غلام و غیره وجود دارد.

حضرت عمر (رض) طی نامه‌ای برایش نوشت که این همه مال که نزد توست از کجا به دست آورده ای؟ اشخاصی بهتر از تو اینجا وجود داشت، تو را فقط به خاطر تکلف و ریاضت به این منصب مقرر نموده‌ام.

اما اگر واقعاً چنین کرده باشی، مانعی از عزل شما وجود نخواهد داشت. هرچه سریع تر برایم جواب بنویسید ! عمرو بن عاص(رض) جواب داد: ای امیرالمؤمنین! من خیانت نکرده‌ام. اما چون اینجا کالا ارزان است، سهمیه‌ای که از مال غنیمت به من رسیده با آن این اشیاء را خریده‌ام. سپس حضرت فاروق(رض) در جوابش نوشت که این گفته‌ها مرا قانع نمی‌سازد. من محمد ابن مسلمه (مسئول امور تفتیش و کنترل والی ها) را می‌فرستم، نصف اموالت را به او تحویل بده!

در یکی از روز ها یکتن از تاجران مسیحی نزد ایشان آمد و عرض کرد: من اسبی را که قیمتش بیست هزار درهم بود برداشته و رفتم. مأمور وصول خراج که «زیاد بن جدیر» است از من یک هزار درهم وصول کرد. سپس در مابین همان سال که با همان اسب از آنجا گذشتم باز از من یک هزار درهم دیگر می‌خواهد.

حضرت عمر (رض) فرمود: همین قدر بس است! نصرانی چنین پنداشت که شکایتش پذیرفته نشد و در دل تصمیم گرفت که باید یک هزار درهم را بپردازد. همین که به آن جا رسید. معلوم گردید که فرمان امیرالمؤمنین حضرت عمر (رض) قبلاً به آنجا مواصلت کرده بود ، در ظرف یک سال مالی که از آن یک بار خراج وصول شده است بار دوم در همان سال نباید گرفته شود. زیاد بن جدیر فرمان را در جلوی نصرانی خواند و گفت: مطابق این فرمان من از تو چیزی نمی‌توانم وصول کنم. آن شخص با شنیدن آن سخن عرض کرد که من از مسیحیت توبه می‌کنم و دین شخصی را اختیار می‌نمایم که این فرمان را صادر کرده است. و به این ترتیب به دین مقدس اسلام مشرف شد.

مؤرخین می نویسند:

حضرت سعد بن ابی وقاص(رض) فاتح ایران را فقط به این دلیل عزل نمود که او در منزل را به روی خود بسته بود. اما در آخر عمر فرمود: من سعد را بر خاطر کدام خیانتی عزل نکرده‌ام.

حضرت خالد و حضرت مثنیب را به این سبب از فرماندهی لشکر عزل کرد که مردم گمان برده بودند که علت فتوحات شخص آن‌ها می‌باشد، در حالی که بعد از عزل آنان در وضع فتوحات، کوچک‌ترین خللی واقع نشده است. می گویند :

حضرت خالد را بعد از عزل از مقام فرماندهی، به حیث حاکم «قتسرین» منصوب کرد، وی به شاعری که در وصف مدح اش سروده ای ترتیب نموده بود ، مبلغ هزار درهم انعام داد.

وقتی که این موضوع به سمع حضرت عمر فاروق (رض) رسید به حضرت ابوعبیده بن الجراح نامه‌ای نوشت که من خالد ابن ولید را از مقام ولایت قنسرین عزل کردم، او را نزد خود احضار کن و در مجمع عمومی دست‌هایش را با عمامه ببند و از وی در مورد این که این مبلغ گزاف را از کجا کرده که به شاعر انعام بدهد، سؤال کن. اگر این مبلغ را از پول بیت المال داده، مرتکب خیانت شده و اگر از خود داده، اسراف کرده است.

چنان که با حضرت خالد «سيف الله» چنین رفتار شد و حضرت خالد (رض) با وجود شجاعت و اقتداری که داشت، مطیع و فرمانبردار اوامر امیرالمؤمنین بود و بر اجرای حکم امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) خاضعانه گردن نهاد. و پس از آن به حضرت خالد (رض) مسؤولیت مهمی واگذار ننمود. ولی در ضمن به تمام والی‌ها طی نامه‌ای متحد المال اطلاع داد که حضرت خالد بن ولید (رض) به علت خیانت عزل نشده است.

ارشادات حضرت عمر به والی‌ها :

طوری که در فوق هم تذکر دادیم حضرت عمر (رض) هرگز به مسئولین خود اجازه نمی‌داد تا به مردم زور بگویند یا احساس بزرگی نمایند و مردم را خوار بشمارند. در جنب سایر ارشادات، رهنمودهای ذیل در دستاویز رسمی قرار داشت:

- ۱- لباس نازک نپوشید.
- ۲- نان از آرد غربال شده نخورید.
- ۳- دروازه منزل خویش را به روی مردم نبندید، بر دروازه خویش پهره دار و محافظ مقرر ننماید، تا مردم وبه خصوص حاجتمندان بتوانند با سهولت غرض اجرای امور و کارهای خویش به نزد شما مراجعه نمایند.
- ۴- به عیادت مریضان بروید و در تشییع جنازه باید اشتراک نمائید.

وظایف عمده والی‌ها :

سیرت نویسان وظایف عمده والیان دوران خلافت امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) را درشش مورد ذیل چنین جمع‌بندی و خلاصه فرموده اند :

- ۱- عنایت به امور لشکر ایالت و مستقر کردن آنها در هر جا که لازم باشد.
- ۲- نظارت بر وصول حقوق دولتی از قبیل زکات، خراج، جزیه و صرف نمودن آنها در مواردی که قانون شریعت اسلام تقریر کرده است و گماردن مأمورین برای وصول حقوق دولتی از مردم طبق نظام مالی اسلام.
- ۳- تعیین قضات، نظارت بر احکام صادره و تعیین حکام بر شهرهای تابع ایالت.
- ۴- تبلیغ دین اسلام و حمایت و دفاع از حریم دین.
- ۵- اجرای کیفر و حد شرعی بر مجرمین.
- ۶- امامت در نمازهای پنجگانه، نماز عید و جمعه در مرکز ایالت و مهیا کردن کاروان حج و تعیین رئیس کاروان.

وظایف عمده مسئولین شهرها و ولسوالی‌ها :

مسئولین شهرها و ولسوالی‌ها که از جانب والی ولایت و یا هم از جانب امیر المؤمنین تقرر حاصل می‌نمودند، عمدتاً پیشبرد وظایف ذیل بود :

- ۱- تدبیر امور پادگان شهر، حفظ امنیت و اداره امور عمومی مردم شهر.

- ۲- محافظت حدود و ثغور مربوط به آن ناحیه.
- ۳- امامت در نمازهای پنج‌گانه، نماز جمعه و نماز عید.
- ۴- حاکم شهر حق دخالت در امور قضائی و دریافت حقوق دولتی نداشت. این دو امر چنان که گفتیم از وظایف اختصاصی والی ولایت بود.

پایان

موضوع :

شیوه انتخاب والیان توسط حضرت عمر (رض)!

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی

مهتم : دکتور صلاح الدین «سعیدی – سعید افغانی»

مصحح: فضل احمد